زیارت نامه

زیارت نامه امامزادگان

موسی مبرقع

احمد بن محمد اعرج، زید و چهل اختران

نور علی نور

بسم الله الرحمن الرحیم

نور علی نور

نویسنده:

حسین احمدی قمی

ناشر چاپی:

انتشارات مسجد مقدّس جمکران

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

فهرست ----- ۵
نور علی نور ----- ۷
مشخصات کتاب ----- ۷
مقدمه ناشر ----- ۷
مقام معظّم رهبری «مدّ ظلّه العالی» ----- ۷
* * * ----- ۷
طلیعه ----- ۷
حضرت موسی مبرقع‌علیه السلام ----- ۸
حضرت موسی مبرقع‌علیه السلام ----- ۸
یوسف آل محمّدعلیهم السلام ----- ۸
مادر موسی مبرقع‌علیه السلام ----- ۸
مادر صدیقان و صالحان ----- ۹
شباهت حضرت موسی مبرقع‌علیه السلام به مادر ----- ۹
از کودکی تا جوانی ----- ۹
دیانت و پرهیزکاری ----- ۱۰
هجرت به قم ----- ۱۰
اقامت در قم تا پایان عمر ----- ۱۰
فرزندان موسی مبرقع ----- ۱۱
رحلت موسی مبرقع‌علیه السلام ----- ۱۱
موسی مبرقع از منظر علما و دانشمندان شیعه ----- ۱۱
توطئه ترور شخصیت ----- ۱۲
احمد بن محمّد اعرج علیه السلام ----- ۱۲
چهل اختران ----- ۱۳

امامزاده زید علیه السلام ----- ۱۳
امامزاده زید علیه السلام ----- ۱۳
سلسله نسب ----- ۱۳
تباری پاک ----- ۱۳
جلوه‌ای از کرامات ثبت شده ----- ۱۴
زیارت‌نامه حضرت موسی مبرقع‌علیه السلام فرزند بلافصل امام جوادعلیه السلام ----- ۱۵
زیارت‌نامه چهل تن از فرزندان و نوادگان امام جواد علیهم السلام معروف به چهل اختران ----- ۱۶
زیارت‌نامه امام زاده زید علیه السلام از نوادگان امام سجادعلیه السلام ----- ۱۶
مقدمهٔ ----- ۱۷
Preface ----- ۱۷
کتابنامه ----- ۱۹
چند تذکر ----- ۱۹
پی نوشت ها ----- ۱۹
درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان ----- ۲۱

نور علی نور

مشخصات کتاب

سرشناسه : احمدی قمی حسین ۱۳۴۱ - گردآورنده عنوان و نام پدیدآور : نور علی نور : زیارت‌نامه حضرات امام زادگان موسی مبرقع ، احمدبن محمد اعرج ، زید و چهل‌اختران علیهم‌السلام / به کوشش حسین احمدی . مشخصات نشر : قم: مسجد مقدس جمکران ،۱۳۸۸. مشخصات ظاهری : [۱۰۴] ص. : مصور (رنگی ۵/۱۰ × ۵/۱۴ س‌م. شابک : ۶۰۰۰ ریال ۹۷۸-۹۶۴-۹۷۳-۱۳۹-۱ : وضعیت فهرست نویسی : فاپا (چاپ سوم) یادداشت : مقدمه کتاب به زبان‌های عربی ،اردو و انگلیسی می باشد. یادداشت : فارسی - عربی یادداشت : چاپ دوم: ۱۳۸۷. یادداشت : چاپ سوم. یادداشت : کتابنامه به صورت زیرنویس. موضوع : زیارتنامه‌ها موضوع : امامزادگان -- زیارتنامه‌ها شناسه افزوده : مسجد جمکران (قم) رده بندی کنگره : BP۲۷۱/الف۳۴ن۹ ۱۳۸۸ رده بندی دیویی : ۲۹۷/۷۷۷ شماره کتابشناسی ملی : ۱۹۳۰۸۹۹

مقدمه ناشر

عرض ارادت به فرزندان ائمه اطهارعلیهم السلام از وظایف شیعیان، سنتی نیکو است که به دستور پیامبر اکرم و بزرگوار اسلام‌صلی الله علیه وآله و ائمه اطهارعلیهم السلام بر ما لازم و آرام بخش جان و روح هر محب اهل بیت‌علیهم السلام می‌باشد. امید است این حرم نورانی که به انوار مقدّس حضرت موسی بن تقی الجواد و چهل اختر تابناک علیهم السلام منوّر است مورد توجّه بیش از پیش مؤمنین و ارادتمندان اهل بیت‌علیهم السلام باشد. از همه عزیزانی که در آماده سازی این اثر همکاری و قبول زحمت فرموده‌اند؛ به ویژه حجّت الاسلام و المسلمین حاج آقای حیدری کاشانی و برادران احمد سعیدی و امیرسعید سعیدی کمال تشکر و امتنان را داریم. مدیر مسؤول انتشارات مسجد مقدّس جمکران حسین احمدی

مقام معظّم رهبری «مدّ ظلّه العالی»

امامزادگان ما باید قطب فرهنگی باشند. * * * حضرت آیت اللَّه العظمی بهجت «حفظه اللَّه» اگر کسی خدمتی به حضرت موسی مبرقع‌علیه السلام نماید مورد عنایت اهل بیت‌علیهم السلام و امام جوادعلیه السلام و امام زمان «عجل اللَّه تعالی فرجه الشریف» واقع می‌شود. * * * توسّلات خیلی نافع است. به این امامزاده‌ها زیاد سر بزنید. این بزرگواران همچون میوه‌ها که هر کدام ویتامین خاصّی دارند، هر کدامشان خواصّ و آثاری دارند.

* * *

یکی از کرامت‌های شیعه، قبور و مزارهای امامزادگان است، لذا نباید از زیارت آنها غافل باشیم و خود را اختیاراً محروم سازیم.

طلیعه

برقع به رخ بنه که نگاهت میفکنند آهسته رو که دام به راهت می‌فکنند ای یوسف زمانه کمی احتیاط کن! تا چون عزیز مصر به چاهت می‌فکنند امامزاده عظیم الشأن حضرت موسی مبرقع، فرزند بلافصل امام جوادعلیه السلام و برادر امام هادی‌علیه السلام است. مادر این بزرگوار، بانوی پاک و با عفت حضرت سمانه مغربیه علیها السلام بوده است. موسی فرزند امام محمّد تقی، در سال ۲۱۴

هجری قمری در خانـدان علم و امامت و معـدن فضایل و مکارم متولـد شـد. او تحت تربیت پـدر بزرگوار خویش پرورش یافت و به کمالات علمی و معنوی والایی رسید؛ تا جایی که امام جوادعلیه السلام در وصیت‌نامه خویش تولیت صدقات و موقوفات را به ایشان واگذار کرد و با این عمل اعتماد خویش به موسی مبرقع و مراتب عدالت و تقوای آن بزرگوار را بر همگان آشکار ساخت. موسی پس از شهادت پدرش، از محضر برادر عظیم الشأن خود امام هادی‌علیه السلام بهره می‌جست و آن حضرت را به عبارت «بنفسی أنت؛ جانم به فدایت» خطاب می‌کرد. موسی مبرقع‌علیه السلام در سال ۲۵۶ ه.ق به قم آمد و در ابتدا با مخالفت سران عرب که در قم بودند، مواجه شد. از این رو به کاشان رفت و مورد استقبال گرم حاکم و مردم کاشان قرار گرفت. پس از مدّتی به اصرار مردم و علما به قم برگشتند و بین مردم محبوبیت خاصی پیدا کردند. محبوبیت ایشان در میان مردم قم سه وجه داشت: اوّل: آنکه ایشان معصوم زاده بودند. دوم: اینکه آن بزرگوار چشمه‌ای از علوم کوثر فاطمی بود که تفسیر قرآن و احادیث را به طور مستقیم از امام معصوم به عنوان معدن علم الهی نقل می‌کرد. سوم: آنکه ایشان همچون حضرت یوسف رخساره زیبا و جذابی داشتند که به هنگام عبور شان مردم دست از کسب و تجارت برداشته، به تماشای ایشان می‌ایستادند. به همین دلیل ایشان نقاب و برقع به چهره مبارک می‌انداختند و از این جهت به «مبرقع؛ برقع کشیده» معروف گشتند. پس از گذشت مدّتی از اقامت موسی مبرقع در قم، دخترش بریهه و خواهرانش زینب، امّ محمّد و میمونه، دختران امام جوادعلیه السلام بر ایشان وارد و مایه برکت و رحمت خداوند بر مردم گشتند. این بانوان بزرگوار پس از وفات، در کنار حضرت معصومه‌علیها السلام به خاک سپرده شدند. موسی مبرقع‌علیه السلام پس از عمری تهجّد و خدمت و تبلیغ علوم اهل‌بیت‌علیهم السلام در شب چهارشنبه اواخر ربیع الثانی سال ۲۹۶ در قم وفات یافت و در مکان فعلی (منزل محمّد بن خالد اشعری) از اصحاب امام رضاعلیه السلام مدفون گردید ... بعدها یکی از نوادگان ایشان به نام احمد بن محمّد در کنار ایشان دفن شدند. جنب قبر مطهر ایشان چهل تن از اهل بیت و نوادگان موسی مبرقع به مرور زمان دفن شدند که همه آن بزرگواران از مقام علمی و تقوای بالایی برخوردار بودند. از این جهت آنان را «چهل اختران» نامیدند که مرقد مطهرشان هم اکنون به «چهل اختران» معروف گشته است. در همین مجموعه، بقعه امامزاده زید از فرزندان امام سجادعلیه السلام نیز واقع گردیده است.

حضرت موسی مبرقع‌علیه السلام

حضرت موسی مبرقع‌علیه السلام

یوسف آل محمّدعلیهم السلام

ابو احمد موسی مبرقع، فرزند امام جوادعلیه السلام در تاریخ ۲۱۴ ه.ق دو سال بعد از میلاد علی بن محمّد، امام هادی‌علیه السلام در مدینه متولد شد.(۱) هر چند درباره تعداد فرزندان امام جوادعلیه السلام در میان تاریخ نگاران و دانشمندان رجال اختلاف وجود دارد، اما آنچه همگان بر آن اتفاق نظر دارند، این است که جناب موسی مبرقع فرزند بلافصل امام جوادعلیه السلام و برادرِ تنی امام هادی‌علیه السلام است.

مادر موسی مبرقع‌علیه السلام

از ازدواج امام جوادعلیه السلام با امّ الفضل دختر مأمون سال‌ها گذشت، ولی امّ الفضل دارای فرزند نشد؛ چراکه او عقیم و نازا بود. بدین جهت امام جوادعلیه السلام، با کنیزی پاک سرشت به نام «سمانه» از اهالی مغرب (بین آفریقا و اندلس) ازدواج کرد و از او در سال ۲۱۲ ه.ق دارای فرزندی شد که همان حضرت هادی‌علیه السلام است.(۲) دو سال بعد، یعنی در سال ۲۱۴ ه.ق فرزند دیگرش

از سمانه متولد شد که او را «موسی» نام نهاد.

مادر صدیقان و صالحان

هنگامی که دست مشیّت و تقدیر الهی سـمانه را به همراه کاروانی از مغرب (بین آفریقا و اندلس) به مدینه آورد و به همسـری امام جوادعلیه السـلام مفتخر گردانید، امام جوادعلیه السلام در شأن آن بانوی پر کرامت چنین فرمود: «نام او سمانه است، او بانویی است که حق من را می‌شـناسد، او از بـانوان بهشت است. شـیطان سـرکش به او نزدیـک نشود و نیرنـگ طـاغوت عنود به او راه نیابـد. او همواره مورد نظر خداونـدی است که هرگز خواب نـدارد و در مقـام والای معنوی در ردیف مادران صـدیقان و صالحان است».(۳) روایت دیگری به همین مضـمون از ناحیه امام هادی‌علیه السـلام در عظمت و فضیلت مادر بزرگوارشان، حضرت سمانه علیها السلام صادر شـده است: «مادرم عارف به حق من است. او از اهل بهشت است. شیطان سرکش به او نزدیک نمی‌شود و نیرنگ سـتمگران معانـد به او نمی‌رسـد. او همواره مورد نظر خداوندی است که هرگز خواب ندارد و در شـمار مادران صدیقان و صالحان است».(۴) آری، یک بانو می‌توانـد به مقامی برسـد که به فرموده امام جوادعلیه السـلام شایسـتگی مادری صـدیقان و صالحان را پیدا کند و از وی فرزنـدانی چون امام هادی‌علیه السـلام و موسـی مبرقع‌علیه السـلام به وجود آید. حضـرت سـمانه علیها السـلام در فضایل معنوی چنان ممتاز بود که او را سیّده و مادر ارزش‌ها می‌نامیدند.(۵) در زهد و تقوا در عصـر خود بی‌نظیر بود، بیشتر روزها، روزه مستحبی می‌گرفـت. عـالم بزرگ سیّد مرتضـی علـم الهـدی در کتـاب «عیـون المعجزات» در شـأن حضـرت سـمانه می‌نویسـد: «و کـانت من القانتات؛ او از بانوانی بود که در مقام عبادت خدا نهایت خضوع و خشوع را داشت».(۶)

شباهت حضرت موسی مبرقع‌علیه السلام به مادر

امام جوادعلیه السلام در سال ۲۲۰ ه.ق به دعوت اجبار آمیز معتصم عباسی از مدینه به سوی بغداد حرکت کرد. آن حضرت پیش از عزیمت، به جانشینی امـام هـادی‌علیه السـلام که در آن هنگـام هشت سـال داشت، تصـریح فرمود و آنگاه او را در آغوش گرفت و فرمود: «چه چیزی دوست داری تا از عراق برای تو سوغات بیاورم؟» حضـرت هادی‌علیه السـلام در پاسخ فرمود: «شمشیری که چون آتش شعله‌ور است». آنگاه امام جوادعلیه السلام به پسر دیگرش موسی که حدود شش سال داشت فرمود: «تو چه دوست داری تا از عراق برایت به عنوان هدیه بیاورم؟» موسـی عرض کرد: «یک اسب سواری». در آن هنگام، امام جوادعلیه السـلام فرمود: «ابوالحسـن (امام هادی‌علیه السـلام) به من شـباهت دارد، و موسی‌علیه السلام به مادرش».(۷) نکته قابل توجه در این حـدیث نورانی، تأکید امام جوادعلیه السـلام بر شـباهت ظاهری و معنوی موسـی مبرقع به مادرش حضـرت سـمانه است؛ همو که در عرصه زهـد و تقوا در میان زنـان عصـر خویش یگـانه و بی‌نظیر و به فرموده امام جوادعلیه السـلام همواره مورد لطف ویژه خداونـد بوده، شـیطان سـرکش به او نزدیک نمی‌شده، و همطراز مادران صدیقان و صالحان و از بانوان بهشتی بوده است. شـباهت موسـی مبرقع‌علیه السلام، چه در ظاهر و چه در باطن، به چنین بانوی یگانه‌ای نشان از اوج فضیلت و منزلت آن جناب دارد.

از کودکی تا جوانی

موسـی مبرقع‌علیه السـلام دوران کودکی خود را در شـهر مدینه، در دامن مادری پاک و باتقوا همچون سـمانه مغربیه و در سایه سار پدر بزرگوارش امام جوادعلیه السـلام و در جوار برادرش امام هادی‌علیه السلام سپری نمود. بدینسان شالوده علم و تقوای موسی در خانه وحی و امامت، پایه‌ریزی گشت. با تبعید امام جوادعلیه السـلام از مدینه به بغداد، در حالی که جز شـش بهار از زندگی موسـی نمی‌گـذشت، روح لطیف وی در غم فراق پـدر تحت فشـار قرار گرفت. موسـی در چنـان شـرایطی، بـا تحصـیل علوم دینی و احکام

شریعت از برادر ارجمندش امام هادی‌علیه السلام به کمالات علمی و معنوی بالایی دست یافت؛(۸) تا جایی که مردم وی را به عنوان شخصیتی برجسته در علم و تقوا می‌شناختند و مسائل دینی خود را از وی سؤال می‌کردند، ولی او به خاطر احترام فراوانی که برای برادرش امام هادی‌علیه السلام قائل بود، سعی می‌کرد برای پاسخگویی به مسائل به آن حضرت مراجعه نماید و بدون اجازه او به مسائل مهم پاسخ ندهد. از باب نمونه می‌توان به این حدیث که جناب موسی مبرقع خود راوی آن است، توجه کرد. او می‌گوید: در دیوان عمومی با یحیی بن اکثم(۹) برخورد کردم و او از من مسائلی پرسید. من نزد برادرم علی بن محمد امام هادی‌علیه السلام رسیدم و میان من و او پندهایی رد و بدل شد که من را در اطاعت از خودش آگاه و بینا کرد. به او گفتم: «قربانت شوم! یحیی بن اکثم نامه‌ای برای من نوشته و مسائلی از من پرسیده تا به او پاسخ دهم». برادرم امام هادی‌علیه السلام لبخندی زد و فرمود: «پاسخ او را دادی؟!» گفتم: «نه». فرمود: «آن سؤال‌ها چیست؟» یکی یکی سؤال‌ها را بیان کردم و برادرم امام هادی‌علیه السلام جواب فرمود.(۱۰) از این روایت به خوبی استفاده می‌شود که موسی مبرقع در مدینه و عراق به عنوان یک شخصیت برجسته علمی، مورد توجه بزرگان بوده است.(۱۱) آن حضرت پس از مهاجرت به قم نیز مورد احترام علمای بزرگی چون احمد بن عیسی اشعری و احمد بن اسحاق قمی و محمّد بن یحیی که ریاست دینی و دنیایی مردم قم را دارا بودند، واقع گردید.

دیانت و پرهیزکاری

پرهیزکاری، امانت و تقوای موسی مبرقع نزد پدرش، امری مسلّم بود تا آنجا که حضرت امام جوادعلیه السلام او را بعد از برادرش امام هادی‌علیه السلام متولی موقوفات و صدقات خود نمود، بی‌آنکه بر وی ناظر و مراقبی بگمارد. این موضوع در وصیت نامه امام جوادعلیه السلام به صراحت بیان شده است.

هجرت به قم

اکثر تاریخ نویسان و محدّثان و علمای انساب، اتفاق دارند بر اینکه موسی مبرقع از کوفه به قم هجرت نموده و در همین شهر رحلت کرده و در محلی که هم‌اکنون در خیابان آیت اللّه طالقانی (آذر) به محله چهل اختران معروف است، به خاک سپرده شده است.(۱۲) در «تاریخ قم» چنین آمده است: «دیگر از سادات حسینی و رضوی از فرزندان امام رضاعلیه السلام، موسی بن محمّد بن علی بن موسی الرضاعلیهم السلام صاحب رضائیه است. ابوعلی حسین بن محمّد بن نصر بن سالم می‌گوید: «اوّل کسی که از سادات رضوی از کوفه به قم آمد،(۱۳) ابوجعفر موسی بن محمّد بن علی بن موسی بن جعفرعلیهم السلام بود، وی در سال ۲۵۶ ه.ق از کوفه به قم آمد و در قم مقام کرد ».(... ۱۴) محدث قمی با استفاده از «تاریخ قم» می‌گوید: «موسی مبرقع جدّ سادات رضوی است و رشته اولادش تا به حال منقطع نگشته است و نسب بسیاری از سادات، به او منتهی می‌شود. او اوّل کسی است که از سادات رضوی در سال ۲۵۶ ه.ق به قم وارد شده است».(۱۵) ابن فندق، علی بن زید بیهقی، متوفای ۵۶۵ ه.ق در کتاب «لباب الأنساب» می‌نویسد: «موسی مبرقع به قم هجرت کرد و در آنجا مدفون می‌باشد».(۱۶) در «تاریخ قم» آمده است: «موسی مبرقع فرزند امام جوادعلیه السلام وقتی وارد قم شد، پیوسته روی خود را با برقع می‌پوشاند. رؤسای عرب مقیم قم، به او پیغام دادند که باید از مجاورت و همسایگی ما بیرون روی! موسی به کاشان رفت و مورد تجلیل و احترام احمد بن عبدالعزیز واقع شد و هدایای گران قیمتی دریافت کرد. احمد بن عبدالعزیز برای وی، هزار مثقال طلا و یک اسب زین کرده به عنوان مقرری سالانه تعیین نمود و به وی تسلیم کرد.» (۱۷)

اقامت در قم تا پایان عمر

پس از آن ابو الصّدیم حسن بن علی بن آدم اشعری و یکی دیگر از رؤسای عرب، با پی جویی علت بیرون رفتن موسی مبرقع از قم، اهالی قم را به خاطر این عمل ناشایست توبیخ کردند و عدّه‌ای از بزرگان عرب را به کاشان فرستادند و با عذرخواهی، او را به قم باز گرداندند و با احترام و اکرام، از مال خود برای او خانه‌ای خریدند. چند سهم از قریه «هنبرد» و «اندریقان» و «کاریز» را به او واگذار نموده، مبلغ بیست هزار درهم به او عطا کردند. طبق روایتی دیگر چون اعراب قم به موسی مبرقع پیغام دادند که باید از همسایگی ما بیرون روی، او برقع از روی خود برداشت و ایشان او را شناختند. پس درباره موسی همّت و اعتقادشان محقّق شد و این خانه و سهام و اموال را به او بخشیدند. از این دو روایت به خوبی استفاده می‌شود که یکی از علل بیرون راندن وی از قم نشناختن او بوده است، به گونه‌ای که وقتی او را شناختند، وی را بسیار تجلیل و اکرام نمودند. موسی مبرقع با این اموالی که در اختیارش قرار دادند، چند روستا، و چند زمین کشاورزی خریداری کرد. و به زندگی خوبی نایل آمد. آنگاه خواهرانش زینب، امّ محمّد، میمونه و دخترش بریهه به قم آمدند و تا پایان عمر در قم ماندند.(۱۸) یکی از توفیقات جناب موسی مبرقع و خواهر بزرگوارش زینب، در ایام اقامتشان در قم، ساختن گنبد و بارگاه برای کریمه اهل بیت، حضرت معصومه‌علیها السلام، بوده است.

فرزندان موسی مبرقع

درباره تعداد فرزندان موسی مبرقع میان علمای انساب و تاریخ نگاران اختلاف است. ۱. در «تحفة الأزهار» آمده است که وی دارای شش پسر به اسامی ابوالقاسم، حسین، علی، احمد، محمّد و جعفر بود.(۱۹) ۲. بعضی وی را صاحب دو پسر به نام احمد و محمّد و چهار دختر به اسامی زینب، امّ محمّد، میمونه و بریهه دانسته‌اند.(۲۰) بدون تردید همه علما اقرار دارند که موسی مبرقع، حداقل دارای دو پسر به نام احمد و محمّد بوده است.(۲۱) محمّد دارای فرزند نشده و نسل موسی مبرقع از فرزند دیگرش، احمد ادامه یافته است. سادات رضوی، تقوی، نقوی، برقعی، رضایی و ... همه از نسل محمّد اعرج فرزند احمد بن موسی مبرقع می‌باشند که تا به امروز از بین آنها علما، صلحا و افراد برجسته‌ای به ثمر رسیده و اهل ایمان از وجود پرفیض آنها بهره‌مند گردیده‌اند.

رحلت موسی مبرقع‌علیه السلام

موسی مبرقع‌علیه السلام در سال ۲۵۶ ه.ق در سن ۴۲ سالگی وارد قم شد و بعد از اقامتی کوتاه در کاشان، مدّت ۴۰ سال در قم مقیم بود و به عنوان یکی از شخصیت‌های برجسته از خاندان امامت و ولایت مورد تکریم علما و بزرگان و اهالی قم قرار داشت. تا اینکه در شب چهارشنبه آخر دی ماه، ۸ روز مانده به آخر ربیع الثانی؛ یعنی در ۲۲ ربیع الثانی سال ۲۹۶ ه.ق در سن ۸۲ سالگی دار فانی را وداع و روح بلندش به ملکوت اعلی پیوست.(۲۲) امیر قم، عباس بن عمرو غنوی به او نماز خواند و در سرای خودش، در همین موضعی که امروز به مشهد موسی مبرقع در محله چهل اختران معروف است، به خاک سپرده شد.(۲۳) از همان روز تاکنون مزار وی مورد احترام مؤمنان و دوستداران اهل بیت‌علیهم السلام می‌باشد. شیعیان ایران و دیگر کشورها مانند شیعیان هندوستان و پاکستان وقتی به قم مشرف می‌شوند، به زیارت موسی مبرقع می‌روند و احترام مرقد و ضریح بوسی وی را برخود لازم می‌دانند.

موسی مبرقع از منظر علما و دانشمندان شیعه

هیچ یک از علمای شیعه درباره موسی مبرقع، نقص و ضعفی نقل نکرده‌اند، بلکه جمعی از بزرگان شیعه که هیچ‌گاه از افراد ضعیف و غیر موثق روایت نمی‌کنند، با اذعان به عدالت، وثاقت و دیانت حضرت موسی مبرقع‌علیه السلام، از وی روایاتی نقل کرده‌اند و به مفاد آن ترتیب اثر داده‌اند. از جمله بزرگان شیعه، ثقة الاسلام کلینی در الکافی، شیخ طوسی در تهذیب الأحکام، شیخ مفید در الاختصاص، ابن شعبه در تحف العقول، از جناب موسی مبرقع‌علیه السلام روایاتی نقل کرده‌اند که شاهدی بر وثاقت و صداقت وی

در نزد بزرگان شیعه می‌باشد.(۲۴)

توطئه ترور شخصیت

در زمـان امام هادی‌علیه السـلام، شـخص فاسـقی به نام «یعقوب یاسـر» که ساقی میخانه متوکل عباسـی و محبوب دربار بود، با جعل حدیثی از امام هادی‌علیه السـلام سعی کرد تا شخصیت عظیم حضرت موسی مبرقع‌علیه السلام را در عالم اسلام خدشه‌دار نماید. این تـوطئه نـاجوانمردانه در حـالی صـورت پـذیرفت که حضـرت موسـی مـبرقع‌علیه السـلام بـازوی ولاـیت و امـامت برادر خویش امـام هـادی‌علیه السـلام گشـته بود و بـا سـفرهای تبلیغی و هجرت های الهی خویش می‌توانست بخش‌های عظیمی از عراق، ایران و دیگر کشورهای منطقه را تحت تأثیر جامعیت علمی و معنوی خویش قرار داده و عموم شـیعیان را در یاری رسانی به امام هادی‌علیه السلام و زمینه سـازی برای اسـتقرار حکومت اهـل بیت‌علیهم السـلام اسـتوار و ثـابت قـدم قرار دهـد. این جنگ تبلیغاتی ناجوانمردانه که با هدف از کار انداختن بازوان ولایت و امامت و به نیّت کاستن از بُرد تبلیغی حضرت موسی مبرقع‌علیه السلام صورت پذیرفت، تا حدّ بسیاری توانست جـامعه شـیعه را تحت تـأثیر و حضـرت موسـی مبرقع را در حصار غربت و مظلومیت قرار دهـد. در مجموع می‌توان گفت که دربار عباسـی در اجرای نقشه پلید و شـیطانی خویش در توطئه ترور شخصـیت حضـرت موسی مبرقع به موفقیت‌های نسبی دست یـافت؛ تـا جـایی که آثـار آن تبلیغات سوء و مسـموم تا عصـر و زمان ما نیز ادامه یافته و غربت و مظلومیت آن حضـرت را دو چنـدان سـاخته است. این در حـالی است که علامه مجلسـی و حضـرت آیت الله خوئی، «یعقوب یاسـر» را که ساقی میخانه متوکل و جعـل کننـده این حـدیث بـوده است، مردی «مجهول الهویه» خوانده‌انـد و روایت او را تأییـد نکرده‌انـد. فرزنـد حـاج سیّد علی تقی کشـمیری نیز با تألیف کتابی جداگانه درباره شخصـیت والای موسی مبرقع‌علیه السلام بر نظریات علما صحّه گذاشته و آن مرد فاسق فـاجر، «یعقـوب یاسـر» را رسوا نموده است. در صـده هـای اخیر، مرحوم «حـاجی نوری» بـا تـألیف کتـاب ارزشـمندی به نـام «البـدر المشـعشع فی أحوال الموسـی المبرقع» نقاب اتهام را از چهرهٔ غریب و مظلوم موسـی مبرقع‌علیه السلام برکشیده و جلوه هایی از چهره نورانی و ولاـیی آن حضـرت را آشـکار سـاخته است.(۲۵) علمـا و عرفـای بزرگی همچـون آیـت اللَّه العظمی بروجردی، آیـت اللَّه مرعشی نجفی، آیت اللَّه کشمیری بر زیارت امامزاده موسی مبرقع و ۴۲ امامزاده دیگر در چهل اختران مداومت داشته و بر آن تأکید ورزیده‌اند.

احمد بن محمّد اعرج علیه السلام

مثل احمد تو در این شهر امینی، احمد! در بیابان قم آن خلد برینی، احمد! در میان همه زیور و زر های جهان تو همان گوهر ارزنده ترینی، احمـد! زیر گنبـد و در کنار مرقد مطهر موسـی مبرقع، یکی از نوادگان وی به نام ابوعبداللَّه احمد بن محمّد بن موسـی مبرقع مـدفون می‌باشد. احمد بن محمّد در سال ۳۱۱ ه.ق در قم متولـد گردیـد. کودکی خود را در کنار پـدر بزرگوارش محمّد اعرج که عهده‌دار سمت نقابت(۲۶) و ریاست مردم بود، سپری نمود و از علوم وی بهره‌مند گردید. او سیّدی والامقام و برجسته بود. وی در زهـد، تقوا، کرامت، سـخاوت و عبادت به مقامی رسـیده بود که علاوه بر نقابت و ریاست عامه مردم، بر دل‌ها نیز حکومت می‌کرد. مردم قم، از صـمیم قلب او را دوست می‌داشـتند و پروانه‌وار دور شـمع وجـودش جمع و از فضایـل و کمالاـت او بهره می‌بردنـد. آن بزرگوار فقط ۴۶ سال عمر نمود و سرانجام در ماه صفر ۳۵۷ ه.ق چشم از جهان فرو بست و به دیدار معبود خویش شتافت. مردم قم از فراقش در سوگ نشسـتند و با غم و اندوه فراوان بدن مطهرش را با عظمت ویژه‌ای تشـییع نمودند و در کنار مرقد جدّ بزرگوارش موسـی مبرقع به خـاک سپردنـد. هم‌اکنون در زیر گنبـد موسـی مبرقع، صورت دو قبر وجود دارد که یکی مرقـد مطهر موسـی مبرقع فرزند بلافصل امام جوادعلیه السلام است و دیگری مرقد احمد بن محمّد بن احمد بن موسی مبرقع است.(۲۷)

چهل اختران

حاجات خویش را به خدای جهان بگو! دردی که خون نموده دلت را عیان بگو! گر باز حاجتی نگرفتی، بیا و در دار الشفای صحن چهل اختران بگو! تعدادی از فرزندان و نوادگان موسی مبرقع در بقعه خانوادگی وی در کنار مرقدش معروف به چهل اختران مدفون می‌باشند و مورد احترام و زیارت اهل ایمان قرار دارند. تا زمان تألیف «کتاب تاریخ قم» به سال ۳۷۸ ه.ق، چهارده تن از سادات رضوی از خاندان موسی و جعفر در این بقعه به خاک سپرده شده بودند که نام آنها در آن کتاب ثبت گردیده است.(۲۸) و بعد از آن هم از همین خاندان جمع دیگری دفن شده‌اند که عدد آنها را به چهل تن می‌رسانند. ولی منبعی برای معرفی نام و نسبت اکثر آنان در دست نیست. در سابق، قبل از تعمیرات، در این محل صورت ۱۷ قبر مشهود بوده که قبر مطهر محمّد بن موسی مبرقع در وسط و ۱۶ قبر دیگر در اطراف آن نمایان بوده است. طبق اسناد و مدارک موجود، نسبت دفن شدگان این بقعه پاک و پربرکت با جناب موسی مبرقع عبارت است از: ۱. ابو احمد محمّد، پسر موسی مبرقع؛ ۲. ابو علی احمد، پسر موسی مبرقع؛ ۳. زینب، دختر موسی مبرقع؛ ۴. ابو علی محمّد الاعرج بن احمد (وفات ۳۱۵ ق)، نوه موسی مبرقع؛ ۵. امّ محمد بن احمد، نوه موسی مبرقع؛ ۶. امّ حبیب بنت احمد، نوه موسی مبرقع؛ ۷. فاطمه بنت محمّد بن احمد، نتیجه موسی مبرقع؛ ۸. بریهه بنت محمّد بن احمد، نتیجه موسی مبرقع؛ ۹. امّ کلثوم بنت محمّد بن احمد، نتیجه موسی مبرقع؛ ۱۰. امّ سلمه بنت محمّد بن احمد، نتیجه موسی مبرقع؛ ۱۱. یحیی بن احمد بن محمّد بن احمد، نبیره موسی مبرقع؛ ۱۲. ابوجعفر محمّد بن موسی بن احمد بن محمّد بن احمد، ندیده موسی مبرقع؛ ۱۳. ابوالفتح عبداللّه بن موسی بن احمد بن محمّد بن احمد، ندیده موسی مبرقع؛ ۱۴. بریهه بنت علی بن جعفر بن امام هادی، زوجه محمّد بن موسی مبرقع، عروس ابو جعفر موسی مبرقع؛ ۱۵. امّ ولد، همسر ابو علی محمّد بن احمد بن موسی مبرقع؛ ۱۶. ابوجعفر بن یحیی صوفی بن جعفر بن علی النقی، نواده امام هادی‌علیه السلام؛ ۱۷. فخرالدین بن یحیی صوفی ابن جعفربن علی النقی، نواده امام هادی‌علیه السلام.(۲۹)

امامزاده زید علیه السلام

امامزاده زید علیه السلام

ای آنکه علم و زهد تو دریای بیکران! ای سینه‌ات شبیه صدف‌های دُر فشان! یا زید، ای سلاله عصمت، تبار نورا! حقّا که رحمتی شده‌ای در دیار مان! در ضلع غربی صحن بزرگ چهل اختران بقعه امامزاده زید واقع است.

سلسله نسب

مرحوم عباس فیض، سلسله نسب وی را چنین ذکر کرده است: «امامزاده جلیل القدر سیّد اجلّ جناب زید بن علی بن علی الاکبر ابن محمّد السلیق ابن عبیداللّه بن محمّد بن الحسن بن الحسین الاصغر بن الامام زین العابدین‌علیه السلام».(۳۰) به نظر می‌رسد امامزاده علی اکبر که در بازار تجریش تهران مورد احترام و زیارت عموم مؤمنین قرار دارد، جدّ امام زاده زید باشد. برخی از تاریخ نگاران، سلطان محمود (فرزند محمّد بن زید) مدفون در قریه «صرم» را از نوادگان وی می‌شمارند.(۳۱)

تباری پاک

شیخ مفید می‌گوید: «حسین بن علی بن الحسین‌علیه السلام [جدّ اعلای امامزاده زید] سیّدی فاضل و صاحب کمال و ورع بوده و

روایات بسیاری از پدر بزرگوارش امام سجادعلیه السلام(۳۲) و از عمه‌اش فاطمه بنت الحسین‌علیه السلام و از برادرش امام محمّد باقرعلیه السلام نقل نموده است». مرحوم محدث قمی می‌نویسد: «حسین اصغر که کنیه‌اش ابو عبداللَّه بوده، مردی عفیف و محدّث و فاضل بوده است و جماعتی از وی حدیث نقل کرده‌اند. وی در سال ۱۵۷ ه.ق در سن ۶۴ سالگی وفات کرد و در بقیع به خاک سپرده شد».(۳۳) جدّ دیگر امامزاده زید، حسن بن حسین بن علی بن الحسین علیهم السلام است که محدّث قمی وی را مردی محدّث معرفی می‌نماید. او در مکه ساکن بوده و سرانجام در سرزمین روم وفات نموده است. نسل وی از محمّد اکبر و محمّد از نسل پسرش «عبیداللَّه» [و بنا به نقل بعضی از کتب «عبداللَّه»] ادامه یافت. و از نسل عبیداللَّه [یا عبداللَّه]دو پسرش به نام محمّد السلیق و علی المرعشی و از محمّد السلیق، علی اکبر و از وی نیز علی و از ایشان شاهزاده زید به دنیا آمد».(۳۴)

جلوه‌ای از کرامات ثبت شده

۱. یکی از اولیای خدا نقل می‌کند: شبی در عالم رؤیا، حضرت امام رضاعلیه السلام را دیدم که از مردم گلایه می‌کردند و می‌فرمودند: «به مردم بگویید چرا به زیارت نواده من، موسی مبرقع، نمی‌روند».(۳۵) ۲. حضرت آیت اللَّه العظمی بهجت فرموده‌اند: «هر کس به امامزاده موسی مبرقع‌علیه السلام خدمتی بکند، مورد عنایت اهل بیت‌علیهم السلام، امام جوادعلیه السلام و امام زمان عجّل اللَّه تعالی فرجه الشریف قرار می‌گیرد». ۳. خواهر معصومه محمودی اهل قم در حدود ۶ ماه بیماری لاعلاج پیدا کرده و به دکترهای بسیاری مراجعه نموده، اما نتیجه نگرفته بود. تا اینکه یک شب خواب می‌بینند که در حرم مطهر چهل اختران و امام زاده موسی مبرقع‌علیه السلام مشغول عبادت و زیارت می‌باشند. فردای آن شب به برکت عنایت این بزرگواران شفای خود را می‌گیرد. و دیگر هیچ احساس ناراحتی و دردی در خود نمی‌یابد. ایشان در تاریخ ۲۴/۶/۸۴ ساعت ۱۱ ظهر گوسفندی برای آقا قربانی نمودند. ۴. در تاریخ ۲۶/۶/۸۲ فرزندم به نام سیّد محسن یعقوبی اهل قم تصادف کرد و ضربه مغزی شد؛ به گونه‌ای که خون در مغزش لخته شده بود و احتمال مرگ می‌رفت. دکترها فرزندم را جواب نمودند و گفتند: «از ما کاری ساخته نیست». مادر ایشان نذر کرد اگر فرزند مان شفا یابد، یک عدد قالیچه برای امام زاده موسی مبرقع ببافد. پس از این نذر، فرزندم به طور عجیبی ظرف مدت کمی بدون تشنج و مشکلات دیگر شفا یافتند و همسرم نیز به نذر شان عمل نمودند. ۵. خواهرم ۱۹ سال دارد. دانشجو و بسیار مؤمن است. حدود ۳ هفته پیش با درد گردنی از خواب پرید و به مادرم گفت: «سرم خیلی درد می‌کند». این ضایعه گردنی در طول دو هفته چنان بزرگ و متورم و دردناک شد که امان خواهرم را برید. دکتر در نظر اوّل به او گفت: «تو مبتلا به یک غده‌ای هستی که خوش خیم یا بدخیم بودنش با رادیولوژی و آزمایش‌های متعدد پاتولوژی معلوم می‌شود». در همان روز به حرم مطهر امام زاده موسی مبرقع‌علیه السلام و چهل اختران و امام زاده زید آمدیم و خیلی تضرع و زاری کردیم. مادرم خیلی دلش شکست. بعد از چند روز که نزد دکتر رفتیم، او گفت: «باید زودتر خواهر تان عمل شود و این ضایعات از گردن او در بیاید». عمل جراحی انجام شد، اما وقتی دکتر نتیجه تست پاتولوژی روی غده‌ای را که از گردنش درآورده بودند، دید، به ما اطمینان داد که جنس این ضایعه از خون بوده و از حالا به بعد هیچ مشکلی نخواهد داشت. عجیب اینکه تمام دردهای گردنی خواهرم در مدت کوتاهی پس از عمل مرتفع شده است. من از این حکمت خداوندی و معجزه این آقایان واقعاً در حیرت مانده‌ام. ۶. خانم اکبری از محله نازی آباد تهران در تاریخ ۱۱/۵/۸۵ اظهار داشتند: نذر نمودیم تا چند هفته روزهای چهارشنبه پشت سر هم به امامزاده موسی مبرقع‌علیه السلام بیاییم و اگر زندانی ما آزاد شد، یک گوسفند برای آقا در حرم مطهر قربانی نماییم. الحمد اللَّه زندانی ما پس از چند هفته آزاد شد و ما امروز به نذر خویش عمل کردیم. ۷. خادم افتخاری حرم امام زاده موسی مبرقع‌علیه السلام نقل می‌کند که خواهری دارم به نام زینب که از ناراحتی قلبی و همچنین وضع اقتصادی نامطلوب رنج می‌بردند. ایشان همسر شهید بودند. خواهرم با اینکه اصلاً به زیارت حرم آقا نیامده بودند، شبی در خواب می‌بیند که ۹ بانوی بزرگوار در اطراف دو قبر نورانی نشسته‌اند. یکی از خانم‌ها می‌آید

و دست او را می گیرد و به سوی قبر موسی مبرقع‌علیه السلام هدایت می کند. خواهرم می گوید: «از دلم گذشت که این قبر پسر امام جوادعلیه السلام است که برادرم افتخار خادمی آن را دارد. پس بالای سر آن حضرت نشستم و حاجاتم را خواستم». پس از این خواب به زیارت حرم آقا آمدند و گفتند: «اینجا دقیقاً مثل خوابی است که دیده‌ام». بعد از مدّت کوتاهی حال ایشان بهبود پیدا کرد و به دستور رهبر معظم انقلاب مزایای بنیاد شهید برای ایشان مجدداً وصل گردید.

زیارت‌نامه حضرت موسی مبرقع‌علیه السلام فرزند بلافصل امام جوادعلیه السلام

اَلسَّلامُ عَلی جَدِّکَ الْمُصْطَفی اَلسَّلامُ عَلَی أَبیکَ سلام بر جد بزرگوار شما محمّد مصطفی‌صلی الله علیه وآله، سلام بر پدر بزرگوار شما المُرتَضی اَلسَّلامُ عَلی خَدِیجَةَ الکُبْری اُمّ سَیِّدَةِ علی مرتضی‌علیه السلام، سلام بر خدیجه کبری‌علیها السلام مادر بانوی زنان جهانیان، نِساءِ العالَمِینَ، اَلسَّلامُ عَلی فاطِمَةَ الزَّهْرآءَ سلام بر فاطمه زهراعلیها السلام مادر امامان پاک و طاهر، اُمّ الأَئِمَّةِ الطَّاهِرینَ، اَلسَّلامُ عَلَیَ الْحَسَنِ وَ الْحُسَیْنِ سلام بر امام حسن و امام حسین‌علیهما السلام سَیِّدَیْ شَبابِ أَهْلِ الْجَنَّةِ أَجْمَعِین، دو سرور تمام جوانان اهل بهشت، اَلسَّلامُ عَلی عَلِیِّ بْنِ الحُسَیْنِ، اَلسَّلامُ عَلی مُحَمَّدِ و سلام بر علی بن الحسین‌علیه السلام، سلام بر محمّد بْنِ عَلِیٍّ اَلسَّلامُ عَلی جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ، اَلسَّلامُ عَلی بن علی‌علیه السلام، سلام بر جعفر بن محمّدعلیه السلام، سلام بر مُوسَی بْنِ جَعْفَرٍ، اَلسَّلامُ عَلی عَلِیِّ بْنِ مُوسَی الرِّضا موسی بن جعفرعلیه السلام، سلام بر علی بن موسی الرضاعلیه السلام اَلسَّلامُ عَلی مُحَمَّدِ بْنِ عَلِیٍّ اَلسَّلامُ عَلی عَلِیِّ سلام بر محمّد بن علی‌علیه السلام، سلام بر علی بْنِ مُحَمَّدٍ، اَلسَّلامُ عَلی حَسَنِ بْنِ عَلِیٍّ اَلسَّلامُ عَلَی بن محمّدعلیه السلام، سلام بر حسن بن علی‌علیه السلام، سلام بر الحُجَّةِ بْنِ الْحَسَنِ الْمَهْدِیّ، اَلسَّلامُ عَلَیکَ یا مُوسَی حجّت بن الحسن المهدی‌علیه السلام، سلام بر شما ای موسی بْنِ مُحَمَّدٍ التَّقِیّ الجَواد یا مُوسَی الْمُبَرقَع وَعَلی فرزند امام جوادعلیه السلام ای موسی مبرقع و بر فرزند بزرگوار شما إبنِکَ اَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ الأَعْرَجِ أَیُّهَا السَّیِّدُ الزَّکِیُّ احمد بن اعرج، درود بر سیّد زکی و پاک، ولی حق الطّاهِرُ الْوَلِیُّ وَالدّاعِیُ وَ الحَفِیُّ، أَشْهَدُ و دعوت کننده مهربان، گواهی می‌دهم، أَنَّکَ قُلْتَ حَقّاً وَ نَطَقْتَ حَقّاً وَ صِدْقاً وَ دَعْوتَ که تو درست گفتی و سخن به راستی و حقّ راندی، إلی مَوْلایَ وَ مَوْلاکَ عَلانِیَةً وَ سِرّاً، فازَ مُتَّبِعُکَ، و دعوت کردی به درگاه مولای خود در نهان و عیان، وَ نَجی مُصَدِّقُکَ، وَ خابَ وَ خَسِرَ مُکَذِّبُکَ کامجوست پیروت و نجات یافته است تصدیق کنندهات، وَ الْمُتَخَلِّفُ عَنْکَ، اشْهَدْ لِی بِهذِهِ الشَّهادَةِ لِأَکُونَ و نومید و زیانکار است تکذیب کننده و مخالفت، مِنَ الفائِزینَ بِمَعْرِفَتِکَ وَ طاعَتِکَ وَ تَصْدِیقِکَ این شهادت را برایم گواهی بده تا از کامیابان باشم، به جهت وَ اتِّباعِکَ، اَلسَّلامُ عَلَیْکَ یا سَیِّدی وَ ابْنَ سَیِّدِی، معرفت و اطاعت تو و تصدیق و پیروی تو، درود بر تو ای آقای من، أَنْتَ بابُ اللَّهِ المُؤتِی مِنْهُ وَ المَأخُوذُ عَنْهُ، و زاده آقای من! تویی درگاه خدا که از آن در به سوی أَتَیتُکَ زائِراً وَ حاجاتِی لَکَ مُستَودِعاً، وَها أَنا ذا خدا آیند و از آن اخذ کنند. من به زیارتت آمدم أَسْتَوْدِعُکَ دِینِی وَ أَمانَتِی وَخَواتِیمَ عَمَلِی وَ جَوامِعَ و حاجات خود را به تو سپردم، و من اکنون دینم را، و امانت، وسرانجام کار، أَمَلِی إِلی مُنْتَهی أَجَلِی اَلسَّلامُ عَلَیالنُّفُوسِ الفاخِرَةِ، و همه آرزوهایم را تا پایان عمر به تو می‌سپارم. سلام بر شخصیت‌هایی پر افتخار، وَ بُحُورِ العُلُومِ الزَّاخِرَةِ، وَ شُفَعآئِی فِی الآخِرَةِ، و دریاهای مواج دانش و شفیعان من در آخرت، وَأَوْلِیآئِی عِنْدَ عَوْدِ الرُّوحِ إِلیَ الْعِظامِ النّاخِرَةِ، و پیشوایان خلق، و دوستان من هنگام بازگشت روح به استخوان‌های پوسیده، أَئِمَّةِ الْخَلْقِ وَ وُلاةِ الْحَقِّ اَلسَّلامُ عَلَیکَ أَیُّهَا و رهبران مردم و صاحبان حقّ. درود بر تو ای الشَّخْصُ الشَّرِیفُ، أَشْهَدُ أَنْ لا إِلهَ إِلَّا اللَّهُ، وَحْدَهُ لا شخص بزرگوار، گواهی می‌دهم که معبودی جز خدای یکتا نیست که شَرِیکَ لَهُ وَأَنَّ مُحَمَّداً عَبْدُهُ وَ مُصْطَفاهُ وَ أَنَّ عَلِیّاً شریکی ندارد و حضرت محمدصلی الله علیه وآله، بنده و برگزیده او، و حضرت علی‌علیه السلام، ولی حقّ وَلِیُّهُ وَ مُجْتَباهُ، وَأَنَّ الإمامَةَ فِی وُلْدِهِ إِلی یَومِ الدِّینِ، و انتخاب شده او، و مقام امامت تا روز قیامت منحصر در نَعْلَمُ ذلِکَ عِلْمَ الیَقِینِ، وَ نَحْنُ لِذلِکَ مُعْتَقِدُونَ، فرزندان اوست، این را به یقین می‌دانیم و به آن اعتقاد داریم وَ فِی نَصْرِهِمْ مُجْتَهِدُونَ. و در یاری آنان به کمال میکوشیم.

زیارت‌نامه چهل تن از فرزندان و نوادگان امام جواد علیهم السلام معروف به چهل اختران

اَلسَّلامُ عَلی جَدِّکُمُ المُصْطَفی اَلسَّلامُ عَلْی سلام بر جد بزرگوار شما محمّد مصطفی‌صلی الله علیه وآله، سلام بر أَبیکُمُ المُرْتَضی اَلسَّلامُ عَلی خَدیجَةَ الکُبْری اُمِّ پدر شما علی مرتضی‌علیه السلام، سلام بر خدیجه کبری مادر سَیِّدَةِ نِسآءِ العالَمینَ، اَلسَّلامُ عَلی فاطِمَةَ الزَّهْرآءَ سرور زنان جهانیان‌علیها السلام سلام بر فاطمه زهرا اُمِّ الأَئِمَّةِ الطّاهِرینَ، اَلسَّلامُ عَلیَ الحَسَنِ مادر امامان پاک و طاهرعلیها السلام، سلام بر امام حسن وَ الحُسَیْنِ سَیِّدَی شَبابِ أَهْلِ الْجَنَّةِ أَجْمَعِین، و امام حسین‌علیهما السلام دو سرور تمام جوانان اهل بهشت، اَلسَّلامُ عَلی عَلِیِّ بْنِ الحُسَیْنِ زَینِ العابِدینَ، سلام بر علی بن الحسین زینت عبادت کنندگان‌علیه السلام، اَلسَّلامُ عَلی مُحَمَّدِ بْنِ عَلِیٍّ الباقِرِ، اَلسَّلامُ عَلی سلام بر محمّد بن علی امام باقرعلیه السلام، سلام بر جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ الصّادِقِ، اَلسَّلامُ عَلی مُوسَی بْنِ جعفر بن محمّد امام صادق‌علیه السلام، سلام بر موسی بن جعفر جَعْفَرٍ الْکاظِمِ، اَلسَّلامُ عَلی عَلِیِّ بْنِ مُوسَی امام کاظم‌علیه السلام، سلام بر علی بن موسی الرضاعلیه السلام، الرِّضا، اَلسَّلامُ عَلی مُحَمَّدِ بْنِ عَلِیٍّ التَّقِیِّ سلام بر محمّد بن علی امام جوادعلیه السلام، اَلسَّلامُ عَلی عَلِیِّ بْنِ مُحَمَّدٍ النَّقِیِّ اَلسَّلامُ عَلی سلام بر علی بن محمّد امام هادی‌علیه السلام، سلام بر حَسَنِ بْنِ عَلِیٍّ الزَّکِیِّ العَسْکَرِیِّ اَلسَّلامُ عَلی حسن بن علی امام عسکری‌علیه السلام، سلام بر حُجَّةِ بْنِ الْحَسَنِ الْمَهْدِیِّ، اَلسَّلامُ عَلَیْکُمْ أَیُّهَا حجّت بن الحسن المهدی‌علیه السلام، سلام بر شما ای السّادَةُ الأَزْکِیآءُ الطّاهِرُونَ الأُولِیآءُ وَالدّاعُونَ آقایان تزکیه یافته و پاک، اولیای مهربان، الأَحْفِیآءُ، أَشْهَدُ أَنَّکُمْ قُلْتُمْ حَقّاً وَ نَطَقْتُمْ حَقّاً ای دعوت کنندگان به سوی خدا، گواهی می‌دهم که شما حقیقت را گفتید وَ صِدْقاً وَ دَعْوتُمْ إِلی مَوْلایَ وَ مَوْلاکُمْ عَلانِیَةً و سخن به حقّ و راستی راندید، و به سوی مولای من و مولای خود در نهان وَ سِرّاً، فازَ مُتَّبِعُکُمْ، وَ نَجی مُصَدِّقُکُمْ وَ خابَ و عیان دعوت کردید، پیرو شما سعادت یافت، و تصدیق کننده شما نجات یافت، وَ خَسِرَ مُکَذِّبُکُمْ وَ الْمُتَخَلِّفُ عَنْکُمْ، إِشْهَدُوا بِهذِهِ و تکذیب کننده و مخالف شما نومید گشت، گواهان من باشید الشَّهادَةِ لِأَکُونَ مِنَ الفائِزینَ بِمَعْرِفَتِکُمْ وَ طاعَتِکُمْ به این گواهی تا از سعادتمندان به معرفت و طاعت وَ تَصْدِیقِکُمْ وَ اتِّباعِکُمْ، اَلسَّلامُ عَلَیْکُمْ أَیُّهَا و تصدیق و پیروی شما باشم، سلام بر شما ای سروران، السّادَةُ یا أَبْنآءَ رَسُولِ اللَّهِ وَ بَناتِهِ، أَنْتُمْ بابُ اللَّهِ ای پسران رسول خدا، و دختران او، شما درگاه خدا هستید المُؤْتی مِنْهُ وَ المَأْخُوذُ عَنْهُ، أَتَیْتُکُمْ زائِراً که از آن در به سوی خدا آیند و از آن اخذ کنند، من به زیارت شما آمدم وَ حاجاتِی لَکُمْ مُسْتَوْدِعاً، اَلسَّلامُ عَلَیْکُمْ أَیُّهَا و حاجات خود را به شما سپرده‌ام، سلام بر شما الأَشْخاصُ الشُّرَفآءِ، اَلسَّلامُ عَلیَ النُّفُوسِ الفاخِرَةِ ای شخصیت‌های شریف، سلام بر وجود پرافتخار شما، وَ بُحُورِ العُلُومِ الزّاخِرَةِ، وَ شُفَعآئِی فِی الآخِرَةِ، سلام بر دریاهای مواج دانش و شفیعان من در آخرت، وَأَوْلِیآئِی عِنْدَ عَودِ الرُّوحِ إِلَی العِظامِ النّاخِرَةِ، سلام بر شما اولیا و دوستان من هنگام بازگشت روح به استخوان‌های فرسوده، أَئِمَّةِ الْخَلْقِ وَ وُلاةِ الْحَقِّ أَشْهَدُ أَنْ لا إِلهَ إِلَّا اللَّهُ، رهبران مردم و صاحبان امر ولایت، گواهی می‌دهم که معبودی جز خدای یکتا نیست وَحْدَهُ لا شَرِیکَ لَهُ وَأَنَّ مُحَمَّداً عَبْدُهُ وَ مُصْطَفاهُ وَ أَنَّ که شریکی ندارد. و همانا محمدصلی الله علیه وآله، بنده و برگزیده اوست، و همانا علی‌علیه السلام، عَلِیّاً وَلِیُّهُ وَ مُجْتَباهُ، وَأَنَّ الإِمامَةَ فِی وُلْدِهِ إِلی یَوم ولی او و برگزیده اوست، و همانا امامت تا روز قیامت منحصر در فرزندان اوست، الدِّینِ، نَعْلَمُ ذلِکَ عِلْمَ الیَقِینِ، وَنَحْنُ لِذلِکَ مُعْتَقِدُونَ، این را به یقین می‌دانم و به آن اعتقاد داریم وَ فِی نَصْرِهِم مُجْتَهِدُونَ اَلسَّلامُ عَلَیْکُمْ جَمِیعاً و در یاری آن‌ها کوشاییم. سلام بر همه شما وَ رَحْمَةُ اللَّهِ وَ بَرَکاتُهُ. و رحمت و برکات خداوند بر شما باد!

زیارت‌نامه امام زاده زید علیه السلام از نوادگان امام سجادعلیه السلام

اَلسَّلامُ عَلی جَدِّکَ المُصْطَفَی اَلسَّلامُ عَلی سلام بر جد بزرگوار شما محمّد مصطفی‌صلی الله علیه وآله، سلام بر پدر بزرگوار شما أَبِیکَ المُرْتَضی اَلسَّلامُ عَلی خَدِیجَةَ الکُبْری علی مرتضی‌علیه السلام، سلام بر خدیجه کبری‌علیها السلام اَلسَّلامُ عَلی فاطِمَةَ الزَّهراءَ سَیِّدَةِ نِسآءِ العالَمِینَ، سلام بر فاطمه زهراعلیها السلام بانوی زنان جهانیان، اَلسَّلامُ عَلَی النُّفُوسِ الفاخِرَةِ، وَ بُحُورِ العُلُومِ سلام بر

وجودهای پر افتخار، و دریاهای دانش‌های الزّاخِرَةِ، وَ شُفَعآئِی فِی الآخِرَةِ، ذخیره شده، و شفیعان من در آخرت، أَئِمَّةِ الْخَلْقِ وَ وُلاةِ الحَقِ، اَلسَّلامُ عَلَیکَ امامان خلق، و اولیای حقیقی من، سلام بر تو ای سرور أَیُّهَا السَّیِّدُ الزَّکِیُّ الطّاهِرُ الوَلِیِّ، تزکیه یافته پاک، ای ولی حقّ، گواهی می‌دهم که خدایی أَشهَدُ أنْ لا إلهَ إلَّا اللَّهُ، وَحْدَهُ لا شَریکَ لَهُ وَأَنَّ جز خدای یکتا نیست که شریکی ندارد. و این که محمدصلی الله علیه وآله، بنده مُحَمَّداً عَبدُهُ وَ مُصطَفاهُ وَ أَنَّ عَلِیّاً وَلِیُّهُ وَ مُجْتَباهُ، خاص و برگزیده اوست، و گواهی می‌دهم که علی‌علیه السلام، ولی حقّ وَأَنَّ الإمامَةَ فِی وُلْدِهِ إلی یَوم الدِّینِ، و انتخاب شده اوست، و گواهی می‌دهم که امامت تا روز قیامت منحصر در نَعْلَمُ ذلِکَ عِلمَ الیَقِینِ، وَ نَحْنُ لِذلِکَ مُعْتَقِدُونَ، فرزندان اوست، این را به یقین می‌دانیم، و به آن اعتقاد داریم وَ فِی نَصْرِهِم مُجْتَهِدُونَ، اَللَّهُمَّ اسْتَجِبْ لَنا، و در یاری آنان به کمال می‌کوشیم. پروردگارا، دعای ما را وَ تَقَبَّلَهُ بِکَرَمِکَ وَ عِزَّتِکَ وَ بِرَحمَتِکَ وَ عافِیَتِکَ، مستجاب گردان، و به کرم و عزت و رحمت و عافیت بخشی‌ات از ما بپذیر! وَصَلَّی اللَّهُ عَلی مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ أَجْمَعِینَ وَ سَلَّمَ تَسْلَیماً و بر محمّد و خاندان پاک او درود و سلام بفرست، یا أَرحَمَ الرّاحِمِینَ. ای مهربان‌ترین رحیمان و مهربانان!

مقدمهٔ

استر الوجه بالبرقع من نظراتهم و امش الهوینا لکی لا تقع فی فخهم واحذر قلیلا یا یوسف العصر! لا یوقعوک فی الجب کعزیز مصر هو السیّد الجلیل موسی بن الإمام محمّد الجوادعلیهم السلام أخو الإمام الهادی‌علیهم السلام، المعروف بالمبرقع. أُمّه: السیّدة الجلیلة العفیفة سمانة المغربیة‌علیها السلام. ولد السیّد موسی ابن الإمام محمّد التقی‌علیه السلام فی سنة ۲۱۴ هجریة، فی بیت العلم و الإمامة و معدن الفضل و الکرامة، و تربی علی ید والده العظیم، فبلغ غایة الکمال العلمی و المعنوی، إلی حد وصل أن یوصی له الإمام الجوادعلیه السلام بأن توکل إلیه أموال الصدقات و الأوقاف، فأبدی الإمام بذلک اعتماده و ثقته بالسیّد موسی المبرقع و کشف للناس عن مستوی عدالته وتقواه. بعد شهادة الإمام الجوادعلیه السلام نهل السید المبرقع من فیض علم أخیه الإمام الهادی‌علیه السلام و کان یخاطب الإمام قائلا": بنفسی أنت. "فی سنة ۲۵۶ هجریة، قدِم السیّد موسی المبرقع إلی مدینة قم لکن بعض رؤسائها أخرجوه منها، فرحل إلی مدینة کاشان، فاستقبله حاکم کاشان و أهلها بکل حفاوة و ترحیب. و بعد مدة دعاه أهالی مدینة قم و علمائها لیعود إلی مدینتهم و ألحوا فی طلبهم فعاد إلیها، و سرعان ما کسب قلوب الناس، وأحبه أهل قم لأسباب ثلاث: الأوّل: انه کان الابن المباشر للإمام المعصوم. الثانی: إن هذا السیّد کان نبعا صافیا للکوثر الفاطمی، و کان ینقل الأحادیث و تفسیر القرآن الکریم مباشرة عن الإمام المعصوم الذی هو معدن العلم الإلهی. الثالث: وهبه اللَّه سبحانه جمال وجه باهر کجمال النبی یوسف‌علیه السلام فکان إذا مر بالناس ترکوا أعمالهم و تجارتهم و انشغلوا بالنظر إلیه و محیاه الکریم، و لذلک کان یلقی علی وجهه برقعاً، فاکتسب لقب" المبرقع. "بعد مضی فترة من إقامة السیّد المبرقع فی مدینة قم، أقبلت إلیه کل من کریمته السیدة بریهة، و أخواته الجلیلات السیدة زینب و السیدة أمّ محمّد و السیّدة میمونة بنات الإمام الجوادعلیه السلام فأنزل اللَّه برکاته علی الناس بفضلهن، و بعد وفاتهن دفنَّ بجوار السیدة فاطمة المعصومة‌علیها السلام. توفی السید موسی المبرقع‌علیه السلام بعد عمر قضاه بالعبادة و التهجد، و تبلیغ علوم أهل البیت‌علیهم السلام، و ذلک فی لیلة الأربعاء أواخر شهر ربیع الثانی من سنة ۲۹۶ هجریة فی مدینة قم، و دفن فی مرقده الحالی، (وکان آنذاک منزلا لمحمد بن خالد الأشعری) أحد أصحاب الإمام الرضاعلیه السلام و دفن بعد ذلک بجواره أحد أحفاده المسمی أحمد بن محمّد. و بمرور الزمان دفن بجوار قبره الشریف أربعون شخصا من أهل بیته و أحفاده، و کل هؤلاء الأکابر کانوا من أهل العلم و الورع، و لذلک أُطلق علیهم" الأربعون کوکبا، "و مرقدهم معروف الیوم بهذا الاسم. و فی نفس المکان الشریف یوجد مرقد السید زید من أبناء الإمام السجادعلیه السلام.

Preface

Cover your face with a veil، lest they see you Go slowly، lest they ambush for you O Joseph of the age take little precaution Lest they cast you into the well just like the Egyptian monarch Musa al-Mubarqa` was the immediate grandson of Imam al-Jawad)`a(and the brother of Imam al-Hadi. Samaneh Maghribiyyah، the pure and dignitary lady، was his mother. He was born in ۴۱۲ H. in a family of knowledge، divine leadership، and origin of virtues and of outstanding traits. He was brought up by his respected father and attained a lofty، scholastic، and spiritual perfection such that in his will authorized him to collect alms and endowments. By doing so، he)`a(showed his confidence in him، and attested to him being just and God wary. After his father passed away، Musa al-Mubarqa` benefited from his respected brother Imam al-Hadi)`a(، and used to address him saying May my soul be your ransom. Musa al-Mubarqa` arrived in Qum in ۶۵۲ A.H. where he was confronted by the Arab tribes of the city. Thus، he left for Kashan and was warmly welcomed by its ruler and the people. Shortly after this، he came back to Qum at the request of the people and scholars. He is very popular among the people in Qum. The reasons for his popularity are: ۱. He is an offspring of the Imam)`a(. ۲. He was the source of knowledge stemming from the Fatimid spring of Kawthar. As a fountain head of divine learning he could directly transmit the exegesis of the Qur'an and Hadith from the infallible Imam to the people. ۳. Having an attractive countenance like that of Joseph)`a(، the people would cease working at the marketplace just to see him pass by. That is why he was known as Mubarqa`، for he used to cover his face with a veil. Shortly after his return to Qum، Burayha، daughter of Musa، and his sisters Zaynab، Umm Muhammad، and Maymuneh، daughters of Imam al-Jawad)`a(، came to live with him. This caused divine mercy on the people of the city. These respected ladies were buried beside Lady Fatimah al-Ma`sumah)`a(. After years of spending nights in prayers and propagation in the cause of Ahl al-Bayt)`a(، Musa al-Mubarqa` passed away in Qum on Tuesday night، towards the end of Rabi` al-Thani، ۶۹۲ A.H. He is buried in what is today the house of Muhammad ibn Khalid al-Ash`ari، one of the companions of Imam al-Rida)`a(. Later، one of his descendants called Ahmad ibn Muhammad was buried beside him. With the passage of time، forty people personalities from the Ahl al-Bayt)`a(and the descendants of Musa al-Mubarqa` were buried beside his holy mausoleum. These outstanding personalities held higher status of learning and God wariness. Thus، they were called Chehel Akhtaran)forty stars(and their holy mausoleum is also called Chehel Akhtaran. The tomb of Imamzadeh Zayd، one of the sons of Imam al-Sajjad)`a(، is

.located at this mausoleum

کتابنامه

۱. إثبات الوصیه، مسعودی ۲. الاحکام السلطانیه، ابویعلی ۳. الإرشاد، شیخ مفید ۴. الکافی، شیخ کلینی ۵. أضواءٌ علی حیاۀ موسی المبرقع و ذریّته ۶. الإختصاص، شیخ مفید ۷. انجم فروزان، عباس فیض ۸. بحارالانوار، علامه مجلسی ۹. بدر مشعشع فی احوال موسی المبرقع، محدث نوری ۱۰. تاریخ قم، حسن بن محمد قمی ۱۱. تحف العقول، ابن شعبه ۱۲. تربت پاکان ۱۳. تهذیب الاحکام، شیخ طوسی ۱۴. دلائل الإمامیه، طبری ۱۵. ریاحین الشریعه، ذبیح اللّه محلاتی ۱۶. سبز پوشان (نگاهی به زندگی نامه امامزادگان مدفون در شهر قم)، احمد محیطی اردکانی ۱۷. ستاره درخشان آسمان ولایت، سید مصطفی برقعی ۱۸. سیره چهارده معصوم، محمّد محمّدی اشتهاردی ۱۹. سفینۀ البحار، محدث قمی ۲۰. کتاب تاریخ قم، محمّد حسین ناصر الشریعه ۲۱. گنجینه آثار قم، عباس فیض ۲۲. گنجینه دانشمندان، رازی ۲۳. عمدۀ الطالب، ابن عنبه ۲۴. عمدۀ الطالب، جمال الدین احمد بن علی ۲۵. عیون المعجزات، سید مرتضی ۲۶. لباب الأنساب، علی بن زید بیهقی ۲۷. موسوعۀ الامام الجوادعلیه السلام، گروه محققان ۲۸. مناقب آل ابوطالب، ابن شهر آشوب ۲۹. منتهی الآمال، محدث قمی ۳۰. یادگار امام جوادعلیه السلام، محمّد رضا رمضان نژاد.

چند تذکر

ضمن عرض خیر مقدم خدمت زائرین گرامی و آرزوی قبولی زیارت، مکان مقدّسی که توفیق شرفیابی آن را پیدا نموده‌اید، حرم مطهّر امامزاده موسی مُبَرقَع علیه السلام فرزند بلافصل حضرت امام جوادعلیه السلام و نوه حضرت امام رضاعلیه السلام و چهل اختران (چهل تن از امامزادگان و نوادگان امام جوادعلیه السلام و امام زاده زید علیه السلام از نوادگان امام سجادعلیه السلام) می‌باشد. در چنین مکان مقدّس و منورّی که حریم خاندان عصمت و طهارت است رعایت نکاتی لازم می‌باشد: ۱. خادمان این آستان مقدّس خدمت گزاران شما می‌باشند، لطفاً با این عزیزان همکاری نمایید. ۲. رعایت نظافت نشانه ایمان است. اینجا مکان مقدّسی می‌باشد، لذا نظافت عمومی این مکان مقدس را رعایت نموده و برای حفظ نظافت این مکان مقدس از روشن کردن شمع خودداری نمایید. ۳. زائران محترم، از خرافات جداً بپرهیزید. خواندن نماز یک رکعتی، چسباندن مهر به دیوار، گره زدن تسبیح و یا نخ به ضریح مطهّر، نوشتن روی جلد مفاتیح و قرآن و نوشتن یادگاری بر روی دیوار امامزاده، از نمونه‌های بارز خرافات بوده و حرام می‌باشد، لذا با خرافات، زیارت خود را خراب نکنید. ۴. افراد مشکوک را به دفتر امامزاده یا خادمان حرم مطهّر معرفی نمایید. ۵. هدایا و نذورات را فقط به دفتر امامزاده تحویل نمایید. ۶. زائران گرامی در موقع ورود به امامزاده از گذاشتن کفش در جلوی درب ورودی خودداری نموده و کفش‌های خود را درون کیسه قرار داده و از رها کردن آنها در محوطه زیارتگاه خودداری نمایید. ۷. بعد از پایان زیارت، کتاب‌های دعا و مهر و تسبیح را در جای مخصوص خود قرار داده و از رها کردن آنها در محوطه زیارتگاه خودداری نمایید. ۸. خواهر گرامی، زیارت مستحب است، ولی حفظ حجاب واجب می‌باشد. با حفظ حجاب خود، قلب نازنین آقا امام زمان عجل اللّه تعالی فرجه الشریف را شاد کنید. ۹. در این مکان نورانی، خالصانه برای ظهور مولایمان امام زمان عجل اللّه تعالی فرجه الشریف دعا کنید؛ زیرا خود ایشان می‌فرمایند: «اکثروا الدّعاء بتعجیل الفرج، فإنّ ذلک فرجکم؛ برای تعجیل در فرج و ظهور من بسیار دعا کنید، همانا این دعا کردن برای خودتان گشایش خواهد بود».(۳۶)

پی نوشت ها

۱) محیطی اردکانی، احمد، سبز پوشان (نگاهی به زندگینامه امام زادگان مدفون در شهر قم)، ص۷۶ – ۷۷؛ فیض، گنجینه آثار قم،

ج ۲، ص ۵۴۶؛ سیّد مصطفی برقعی، ستاره درخشان آسمان ولایت، ص ۱۶۸. ۲) علّامه مجلسی، بحارالانوار، ج ۵۰، ص ۱۱۵ – ۱۱۶. ۳) إنَّ إسمَها سَمانَهُ وَأنَّها أمَةٌ عارِفَةٌ بِحَقّی وَ هِی مِنَ الجَنَّةِ لا یَقرِبُها شیطانٌ مارِدٌ، وَ لاینالُها کیدُ جَبّارٍ عَنیدٍ، وَهی کانت بِعَینِ اللَّهِ الّتی لاتَنامُ وَ لاتَتَخَلَّفُ عَنِ اُمَّهاتِ الصِّدیقینَ وَ الصّالِحینَ». محلاتی، ذبیح اللَّه، ریاحین الشریعه، ج۳، ص۲۳؛ موسوعهٔ الإمام الجوادعلیه السلام، ص ۴۱. ۴) محمّد بن فرج و علی بن مهزیار علی أبی الحسنعلیه السلام: «أمّی عارِفَةٌ بِحَقّی وَهِی مِنَ الجَنَّةِ لا یَقرِبُها شیطانٌ مارِدٌ، وَ لا ینالُها کیدُ جَبّارٍ عَنیدٍ، وَ هی کانت بِعَینِ اللهِ الّتی لا تَنامُ وَ لاتَتَخَلَّفُ عَن اُمَّهاتِ الصِّدیقینَ وَ الصّالِحینَ». طبری، دلائل الإمامه، ص ۴۰۱، ص ۳۶۹؛ إثبات الوصیه، ص ۲۲۸، س ۹؛ موسوعهٔ الإمام الجوادعلیه السلام، ص۴۱. ۵) یقالُ لَها سمانَهُ المغربیهٔ وَیقالُ إنَّ اُمَّهُ المَعروُفَهُ بِالسَّیدهِ اُمُّ الفضلِ». ابن شهر آشوب، مناقب آل ابوطالب، ج ۴، ص ۴۰۱. ۶) سیّد مرتضی، عیون المعجزات، ص ۱۳۲. ۷) امام جوادعلیه السلام: «أشبهنی أبُوالحَسِن و أَشبه هذا اُمَّهُ». سیّد مرتضی، عیون المعجزات، ص ۱۳۳؛ موسوعهٔ الإمام الجوادعلیه السلام، ص۴۸. ۸) أضواءٌ علی حیاهْ موسی المبرقع و ذرّیته، ص ۱۲۸. ۹) یحیی بن اکثم به فضل و دانش مشهور و در بحث و جدل معروف بوده است. وی در سن ۲۱ سالگی در شهر بصره به سمت قضاوت برگزیده شد و تدریجاً مرتبه اش رفیع تر گردید. او خود را به خلفای عباسی نزدیک ساخت و در بغداد و سامرا به مقام قاضی القضاتی ارتقا یافت، تا اینکه در سال ۲۴۲ ه.ق در ربذه وفات یافت. ر.ک: اشتهاردی، محمّد محمّدی، سیره چهارده معصوم، ص ۸۳۸. ۱۰) حرّانی، تحف العقول، ترجمه کمره‌ای، ص ۵۰۳؛ تهذیب الاحکام، ج ۹، ص ۳۵۵. ۱۱) أضواءٌ علی حیاهْ موسی المبرقع و ذرّیته، ص ۱۲۸. ۱۲) ر.ک: ابن عنبه، عمدهٔ الطالب، ص ۱۸۲؛ نوری، بدر مشعشع، ص۲ – ۴؛ رازی، گنجینه دانشمندان، ج ۶، ص ۱۸۸؛ محدث قمی، منتهی الآمال، ج ۲، ص ۳۹۹. ۱۳) اینکه وی از کوفه به قم هجرت نموده، حکایت گر آن است که قبل از سال ۲۵۶ ه.ق مدّتی در کوفه ساکن بوده است بعضی بر این عقیده‌اند که او در سن ۳۰ سالگی؛ یعنی سال ۲۴۴ ه.ق، از مدینه به بغداد رفت و در سال ۲۴۷ ه.ق پس از قتل متوکل به کوفه هجرت نمود. فیض، عباس، گنجینه آثار قم، ج ۲، ص ۵۴۶. ۱۴) حسن بن محمّد، تاریخ قم، ترجمه حسن بن علی، ص ۲۱۵. ۱۵) محدث قمی، منتهی الآمال، ج ۲، ص ۳۹۹؛ محدث قمی، سفینهٔ البحار، ج ۲، ص ۶۵۳. ۱۶) بیهقی، علی بن زید، لباب الأنساب، ص ۱۲۱، به نقل از تربت پاکان، ج۲، ص ۷۸. ۱۷) ناصرالشریعه، محمّد حسین، تاریخ قم، ص۲۱۵ – ۲۱۶. ۱۸) ناصر الشریعه، محمّد حسین، تاریخ قم، ص ۲۱۶. ۱۹) محدث قمی، منتهی الآمال، ج ۲، ص ۳۹۹. ۲۰) فیض، عباس، انجم فروزان، ص ۱۱۱. ۲۱) ر.ک: احمد بن علی، جمال الدین، عمدهٔ الطالب، ص ۱۸۲. ۲۲) ناصرالشریعه، محمّد حسین، تاریخ قم، ص ۲۱۵ – ۲۱۶؛ محدث نوری، بدرٌ مشعشع فی أحوال موسی مبرقع، ص۱۶. ۲۳) شریف رازی، محمّد، گنجینه دانشمندان، ج ۶، ص ۱۸۹. ۲۴) ر.ک: شیخ کلینی، الکافی، ج ۷، ص ۱۵۸؛ شیخ طوسی، تهذیب الأحکام، ج ۹، ص ۳۵۵؛ شیخ مفید، الإختصاص، ص ۹۱؛ ابن شعبه، تحف العقول، ص۵۳. ۲۵) ر.ک: رمضان نژاد، محمّد رضا، یادگار امام جوادعلیه السلام، ص ۵۸ – ۶۰. ۲۶) کسی را که از طرف خلیفه یا حاکم، عهده‌دار رسیدگی به امور اولاد حضرت ابوطالب یا اولاد عباس یا اصنافی از مردم می‌شد، نقیب می گفتند. نقیب ها از میان افراد برجسته از حیث خانواده و علم و کمال انتخاب می‌شدند تا برازنده این سمت شریف و بزرگ باشند و مردم در امور زندگی‌شان بهتر مطیع و فرمان‌بردار آنها باشند. ابویعلی، الاحکام السّلطانیه، ص ۹۰. ۲۷) محدث قمی، منتهی الآمال، ج ۲، ص ۴۰۰، می‌نویسد: «برخی خیال کرده‌اند این قبر متعلق به احمد فرزند بلافصل موسی مبرقع است که صحیح نیست». ۲۸) قمی، حسن بن محمّد، تاریخ قم، ص۲۲۴. ۲۹) ر.ک: قمی، حسن بن محمّد، تاریخ قم، ص۲۲۴؛ ناصرالشریعه، تاریخ قم، ص ۲۰۸؛ بیهقی، لباب الأنساب، ص۵۸۵؛ فیض، عباس، گنجینه آثار قم، ص۵۶۲؛ فقیه، محمّد مهدی، انوار پراکنده، ص۴۳۱. ۳۰) و ۲. فیض، عباس، گنجینه آثار قم، ص۵۵۲؛ محدث قمی، منتهی الآمال، ج۲، ص۸۱. ۳۱) ۳۲) شیخ مفید، الإرشاد، ترجمه رسولی محلاتی، ج ۲، ص ۱۷۰. ۳۳) قمی، شیخ عباس، منتهی الآمال، ج۲، ص۷۹. ۳۴) همان. ۳۵) ر.ک: رمضان نژاد، محمّدرضا، یادگار امام جوادعلیه السلام، ص ۶۰. ۳۶) شیخ صدوق، کمال الدین، جلد۲، ص ۴۸۵.

درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

بسم الله الرحمن الرحیم جاهِدُوا بِأَمْوالِکُمْ وَ أَنْفُسِکُمْ فی سَبیلِ اللَّهِ ذلِکُمْ خَیْرٌ لَکُمْ إِنْ کُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (سوره توبه آیه ۴۱) با اموال و جانهای خود، در راه خدا جهاد نمایید؛ این برای شما بهتر است اگر بدانید حضرت رضا (علیه السّلام): خدا رحم نماید بنده‌ای که امر ما را زنده (و برپا) دارد ... علوم و دانشهای ما را یاد گیرد و به مردم یاد دهد، زیرا مردم اگر سخنان نیکوی ما را (بی آنکه چیزی از آن کاسته و یا بر آن بیافزایند) بدانند هر آینه از ما پیروی (و طبق آن عمل) می کنند بنادر البحار-ترجمه و شرح خلاصه دو جلد بحار الانوار ص ۱۵۹ بنیانگذار مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان شهید آیت الله شمس آبادی (ره) یکی از علمای برجسته شهر اصفهان بودند که در دلدادگی به اهلبیت (علیهم السلام) بخصوص حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) و امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شهره بوده و لذا با نظر و درایت خود در سال ۱۳۴۰ هجری شمسی بنیانگذار مرکز و راهی شد که هیچ وقت چراغ آن خاموش نشد و هر روز قوی تر و بهتر راهش را ادامه می دهند. مرکز تحقیقات قائمیه اصفهان از سال ۱۳۸۵ هجری شمسی تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن امامی (قدس سره الشریف) و با فعالیت خالصانه و شبانه روزی تیمی مرکب از فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مختلف مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است. اهداف :دفاع از حریم شیعه و بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام) تقویت انگیزه جوانان و عامه مردم نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی، جایگزین کردن مطالب سودمند به جای بلوتوث های بی محتوا در تلفن های همراه و رایانه ها ایجاد بستر جامع مطالعاتی بر اساس معارف قرآن کریم و اهل بیت علیهم السّلام با انگیزه نشر معارف، سرویس دهی به محققین و طلاب، گسترش فرهنگ مطالعه و غنی کردن اوقات فراغت علاقمندان به نرم افزار های علوم اسلامی، در دسترس بودن منابع لازم جهت سهولت رفع ابهام و شبهات منتشره در جامعه عدالت اجتماعی: با استفاده از ابزار نو می توان بصورت تصاعدی در نشر و پخش آن همت گمارد و از طرفی عدالت اجتماعی در تزریق امکانات را در سطح کشور و باز از جهتی نشر فرهنگ اسلامی ایرانی را در سطح جهان سرعت بخشید. از جمله فعالیتهای گسترده مرکز : الف)چاپ و نشر ده ها عنوان کتاب، جزوه و ماهنامه همراه با برگزاری مسابقه کتابخوانی ب)تولید صدها نرم افزار تحقیقاتی و کتابخانه ای قابل اجرا در رایانه و گوشی تلفن سهمراه ج)تولید نمایشگاه های سه بعدی، پانوراما ، انیمیشن ، بازیهای رایانه ای و ... اماکن مذهبی، گردشگری و... د)ایجاد سایت اینترنتی قائمیه www.ghaemiyeh.com جهت دانلود رایگان نرم افزار های تلفن همراه و چندین سایت مذهبی دیگر ه)تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و ... جهت نمایش در شبکه های ماهواره ای و)راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی (خط ۲۳۵۰۵۲۴) ز)طراحی سیستم های حسابداری ، رسانه ساز ، موبایل ساز ، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک ، SMS و... ح)همکاری افتخاری با دهها مرکز حقیقی و حقوقی از جمله بیوت آیات عظام، حوزه های علمیه، دانشگاهها، اماکن مذهبی مانند مسجد جمکران و ... ط)برگزاری همایش ها، و اجرای طرح مهد، ویژه کودکان و نوجوانان شرکت کننده در جلسه ی)برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم و دوره های تربیت مربی (حضوری و مجازی) در طول سال دفتر مرکزی: اصفهان/خ مسجد سید/ حد فاصل خیابان پنج رمضان و چهارراه وفائی / مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان تاریخ تأسیس: ۱۳۸۵ شماره ثبت : ۲۳۷۳ شناسه ملی : ۱۰۸۶۰۱۵۲۰۲۶ وب سایت: www.ghaemiyeh.com ایمیل: Info@ghaemiyeh.com فروشگاه اینترنتی: www.eslamshop.com تلفن ۲۵-۲۳۵۷۰۲۳- (۰۳۱۱) فکس ۲۳۵۷۰۲۲ (۰۳۱۱) دفتر تهران ۸۸۳۱۸۷۲۲ (۰۲۱) بازرگانی و فروش ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹ امور کاربران ۲۳۳۳۰۴۵(۰۳۱۱) نکته قابل توجه اینکه بودجه این مرکز؛ مردمی ، غیر دولتی و غیر انتفاعی با همت عده ای خیر اندیش اداره و تامین گردیده و لی جوابگوی حجم رو به رشد و وسیع فعالیت مذهبی و علمی حاضر و طرح های توسعه ای فرهنگی نیست، از اینرو این مرکز به فضل و کرم صاحب اصلی

این خانه (قائمیه) امید داشته و امیدواریم حضرت بقیه الله الاعظم عجل الله تعالی فرجه الشریف توفیق روزافزونی را شامل همگان بنماید تا در صورت امکان در این امر مهم ما را یاری نمایندانشاالله. شماره حساب ۶۲۱۰۶۰۹۵۳ ، شماره کارت :۶۲۷۳-۵۳۳۱-۳۰۴۵-۱۹۷۳و شماره حساب شبا : IR۹۰-۰۱۸۰-۰۰۰۰-۰۰۰۰-۰۶۲۱-۰۶۰۹-۵۳به نام مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان نزد بانک تجارت شعبه اصفهان – خیابان مسجد سید ارزش کار فکری و عقیدتی الاحتجاج - به سندش، از امام حسین علیه السلام -: هر کس عهده دار یتیمی از ما شود که محنتِ غیبت ما، او را از ما جدا کرده است و از علوم ما که به دستش رسیده، به او سهمی دهد تا ارشاد و هدایتش کند، خداوند به او می‌فرماید: «ای بنده بزرگوار شریک کننده برادرش! من در کَرَم کردن، از تو سزاوارترم. فرشتگان من! برای او در بهشت، به عدد هر حرفی که یاد داده است، هزار هزار، کاخ قرار دهید و از دیگر نعمت‌ها، آنچه را که لایق اوست، به آنها ضمیمه کنید». التفسیر المنسوب إلی الإمام العسکری علیه السلام: امام حسین علیه السلام به مردی فرمود: «کدام یک را دوست‌تر می‌داری: مردی اراده کشتن بینوایی ضعیف را دارد و تو او را از دستش می‌رَهانی، یا مردی ناصبی اراده گمراه کردن مؤمنی بینوا و ضعیف از پیروان ما را دارد، امّا تو دریچه‌ای [از علم] را بر او می‌گشایی که آن بینوا، خود را بِدان، نگاه می‌دارد و با حجّت‌های خدای متعال، خصم خویش را ساکت می‌سازد و او را می‌شکند؟». [سپس] فرمود: «حتماً رهاندن این مؤمن بینوا از دست آن ناصبی. بی‌گمان، خدای متعال می‌فرماید: «و هر که او را زنده کند، گویی همه مردم را زنده کرده است»؛ یعنی هر که او را زنده کند و از کفر به ایمان، ارشاد کند، گویی همه مردم را زنده کرده است، پیش از آن که آنان را با شمشیرهای تیز بکشد». مسند زید: امام حسین علیه السلام فرمود: «هر کس انسانی را از گمراهی به معرفت حق، فرا بخواند و او اجابت کند، اجری مانند آزاد کردن بنده دارد».